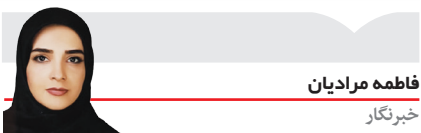




واکسیناسیون ۹ تا ۱۲ ساله‌ها از اول اسفند

۵/۵ میلیون دانش‌آموز در صف واکسن



فاطمه مرادیان

خبرنگار

شهریورماه امسال با نزدیک شدن به سال تحصیلی و با شروع واکسیناسیون معلمان، سرپرست آموزش و پرورش اعلام کرد با تمام وجود آماده بازگشایی مدارس هستیم اما باز شدن سامانه نوبت‌دهی واکسیناسیون کرونا برای اولین گروه دانش‌آموزان که ورودی سال آخر دبیرستان بودند تا اواخر شهر یور به طول انجامید.

در این میان نگرانی‌ها بابت عدم توانایی دانش‌آموزان سنین پایین‌تر در رعایت درست پروتکل‌ها و فاصله‌گذاری‌ها وجود داشت که باعث شد تا برقراری واکسیناسیون برای سنین زیر ۱۸ سال اولویت با آموزش مجازی باشد. بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت و درمان در اجلاس‌روسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌های پزشکی کشور در مشهد

از چهار برابر شدن مراجعه کنندگان سربایی در روزهای گذشته در کل کشور خبر داد و گفت کشور ما از روند روبه‌رشد سوبه‌امیکرون در جهان و منطقه مستثنی نیست و در تست‌های تصادفی که از مردم گرفته شده بیش از ۲ هزار نفر به امیکرون مبتلا شده‌اند که احتمالا این آمار بیشتر است. در آمار جدید ابتلا به ویروس کرونا

در ۲۴ ساعت منتهی به ظهر شنبه دوم بهمن‌ماه در کشور ۳ هزار و ۵۰۳ نفر مبتلای جدید اعلام شد. در مورد بازگشایی مدارس و حضوری شدن آموزش بین گروه‌های مختلف، از دانش‌آموزان و والدین‌شان گرفته تا معلمان و کارشناسان آموزشی و بهداشتی اختلاف نظر وجود دارد.

موافقان و مخالفان بازگشایی مدارس چه می‌گویند؟

خانواده‌های آنها بود. پس از اینکه واکسیناسیون کودکان آغاز شد (با علم به اینکه یکی دو هفته‌ای تا آغاز اثرگذاری واکسن‌ها هم زمان لازم است) این امر نمی‌تواند توجیه مناسبی برای بازگشایی مدارس آن هم در شرایط موجود و شیوع گسترده و تصاعدی امیکرون باشد. مساله بعدی هم خفیف‌تر بودن امیکرون به نسبت سایر جهش‌های کروناست. بر فرض صحت این ادعا، آیا واقعا ارزشش را دارد در شرایطی که هنوز زیرساخت‌های مناسب جهت رعایت پروتکل‌های بهداشتی وجود ندارد و مشخص هم نیست جهش بعدی هم به خفت همین امیکرون باشد، جان بچه‌های مردم را این‌طور به خطر بیندازیم؟ اصلا امیکرون محصول شرایط بعد از واکسیناسیون است و چه تضمینی وجود دارد که جهش بعدی مقاومت بیشتری نسبت به واکسن‌ها در خودش نداشته باشد؟ اما از همه اینها بدتر مدل آغاز و روند واکسیناسیون کودکان در کشور است که با قید رضایت خانواده‌ها قرار است صورت بگیرد. همین پیش‌شرط‌ها عده زیادی را برای تزریق واکسن به کودکان شان منصرف می‌کند.

قبل از خواندن اظهارات کارشناسان و متخصصان، بد نیست روایتی از ادعاها و استدلال‌های موافقان و مخالفان بازگشایی مدارس داشته باشیم تا ببینیم سرنوشت آموزش حدود ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار دانش‌آموز چه می‌شود؟ موافقان بازگشایی مدارس در وضعیت فعلی معتقدند که دوری دانش‌آموزان از پروسه آموزش حضوری به روند تعلیم و تربیت آنها آسیب زده است و مشکلاتی را هم در روند آموزش پذیری آنها به وجود آورده و هم مسائل خانوادگی متعدد ایجاد کرده است. در ادامه همچنین، تصوراتی پیرامون سبک و خفیف‌تر بودن ویروس امیکرون نسبت به سوبیه قبلی به علاوه واکسینه شدن بزرگ‌ترها و همچنین آغاز روند واکسیناسیون کودکان، مطرح می‌شود. اینها همه استدلال‌های موافقان بازگشایی مدارس است که به آنها اشاره کردیم. اما مخالفان دقیقا عکس این اظهارات را بیان می‌کنند. اولاً اینکه آموزش حضوری مهم است و این اهمیت بر کسی پوشیده نیست، باید هرچه زودتر برای وقوع این اتفاق اقدام کرد، منتها قرار و اساس از ابتدا حفظ سلامت دانش‌آموزان، معلمان و

اگر قرار است مدرسه‌ها را باز کنیم بهتر است که کودکان مان واکسن زده باشند

زیادی از قبیل مسائل پزشکی، اقتصادی، اجتماعی و... در سطحی فراتر از وزارت بهداشت گرفته می‌شود ولی اگر قرار است مدرسه‌ها را باز کنیم بهتر است که کودکان مان واکسن زده باشند چون ببینید الان دیگر ثابت شده واکسن مانند کمربند ایمنی عمل می‌کند همان‌طور که کمربند ایمنی شاید نتواند جلوی حادثه را بگیرد ولی جلوی عوارض را می‌گیرد و شدت آن را کم می‌کند. شما اگر نگاه کنید از هر چهار بچه‌ای که کوید می‌گیرد اگر یکی از آنها کارش به بیمارستان بکشد چه باری روی کشور می‌تواند ایجاد کند و به همین دلیل اگرچه مدرسه‌ها باز بشود چه نشود بهتر است واکسن کودکان زده شود. کلا با توجه به سیرری که داریم و با توجه به اینکه در واکسیناسیون بزرگسالان توانستیم پوشش خوبی بدهیم امیدوارم دو سوم هم تکمیل شود. شرایط کشورهایی که جلوتر از ما وارد امیکرون شدند برای ما درس عبرت است. امیکرون

در اسفند احتمالا یک پیک خواهیم داشت

دکتر علیرضا ناجی، در مورد اهمیت واکسیناسیون کودکان گفت: «بچه‌ها تحت تاثیر بیماری کرونا قرار می‌گیرند هرچند ممکن است در کودکان درصدد شدت بیماری و آمار مرگ‌ومیر نسبت به بزرگسالان کمتر باشد اما کودکان ناقل ویروس هستند و بچه‌ها برای رسیدن به موقعیت در ایمنی جمعی حاصل از واکسیناسیون جمعیت مهمی محسوب می‌شوند. واکسیناسیون بچه‌ها در خیلی از کشورها مانند آمریکا، ژاپن، برزیل، نیوزیلند، کانادا و کوبا و چین، امارات و بحرین در حال انجام است. حتی اتحادیه دارویی پزشکی اروپا هم قائل به این نکته است که واکسیناسیون بچه‌ها انجام شود و مجوز واکسیناسیون از پنج سال به بالا با واکسن‌های مناسبی که موجود است صادر شده و این نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است. خوب بود صبر می‌کردیم این واکسیناسیون صورت بگیرد بعد مدارس را باز می‌کردیم. امیکرون هست و در حال چرخش است و در ایران هم اطلاعات نشان می‌دهد که جایگزین دلتا خواهد شد. همان‌طور که در جاهای دیگر این اتفاق دارد می‌افتد و یک پیش‌بینی دیگر هم هست که در اسفند احتمالا یک پیک خواهیم داشت که مرگ‌ومیر بالا خواهد رفت. البته به میزان مرگ‌ومیر ناشی از پیک پنجم ناشی از دلتا نیست، اما تعداد بیماران افزایش پیدا می‌کند.»

بازگشایی بعد از واکسیناسیون عقلانی‌تر بود

در خصوص تصمیم جدید ستاد ملی مقابله با کرونا دکتر علیرضا ناجی، رئیس مرکز تحقیقات ویروس شناسی بیمارستان مسیح دانشوری به «فرهیختگان» گفت: «من در حال حاضر موافق بازگشایی مدارس نیستم و به نظر من باید یک مقداری صبر کنیم ولی در هر صورت این موضوع تصمیمی است که ستاد ملی کرونا گرفته و من با توجه به خطری که در مورد شیوع امیکرون وجود دارد الان موافق هرگونه تجمعی نیستم. حالا این مربوط به بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها می‌شود. تجربه کشورهای دیگر نشان داده که امیکرون با خصوصیتی که بیشتر به عامل ایمن‌گریزش‌اش مربوط می‌شود در میزان سرایتش خیلی ویروس بیشتری از دلتا تولید نمی‌کند بلکه ایمن‌گریزش آن باعث می‌شود چرخش داشته باشد و سرعش بالا باشد. یعنی ایجاد عفونت کند برای همین من در حال حاضر خیلی موافق این موضوع نیستم و حالا که اعلام شده کودکان ۹ تا ۱۱ سال به واکسیناسیون پیوندند ما باید صبر می‌کردیم تا واکسیناسیون آنها هم صورت می‌گرفت و تا یک حد معینی می‌رسید بعدا این کار را انجام می‌دادیم. ما دنبال راه چاره‌ای هستیم که گردش ویروس را کم کنیم و با این کار می‌توانستیم کمی صبر کنیم و باطمینان بیشتری بازگشایی انجام می‌شد.»

قبل از کرونا هم در دوره ابتدایی ۳۵ درصد دانش‌آموزان مان افت داشته‌اند

شرکت کرده است، نشان می‌دهد که ما یکی مانده به آخر یا دو تا مانده به آخر هستیم. پس وضعیت خوبی نداریم. بر آن اساس چیزی که سازمان پژوهش و دیگر عزیزانی که در مرکز پژوهش‌ها اعلام کرده‌اند ما قبل از کرونا هم دوره ابتدایی ۲۵ درصد دانش‌آموزان مان افت داشته‌اند. حالا شما در نظر بگیرید با این وضعیت بچه‌ها در دوران کرونا به آموزش حضوری هم دسترسی نداشتند. مِمّا هرچقدر هم آموزش غیر حضوری تان موثر باشد باز هم برای کلاس اول هیچ چیزی جایگزین معلم نمی‌شود. یعنی باید چهره به چهره با دانش‌آموز کار کرد تا بچه به الفبا مسلط شود و شروع کند به خواندن و نوشتن. چون خودم یک‌سال معلم ابتدایی بوده‌ام کار بسیار تخصصی و ویژه است. پس ما این نوع آموزش چهره به چهره را نداشتیم، یعنی غیر حضوری بود مضاف بر اینکه اصلا درصد قابل توجهی از دانش‌بین سه تا پنج میلیون دانش‌آموز به همان آموزش غیرحضوری هم دسترسی نداشتند. نکته بعدی اینکه خانواده‌ها روی بچه‌هایشان مسلط نبودند. وقتی بچه‌ها مدرسه می‌روند اجبار در میان است و کار دست معلم و مدرسه است. خیلی از والدین حتی اگر به‌خاطر کرونا خانه باشند آن کنترل را روی دانش‌آموزان که مجاب کنند تا پای تلفن همراه و رایانه بنشینند و از کلاس‌های غیرحضوری استفاده ببرند، ندارند.»

اینکه عده‌ای سرمایه‌دار یا دسترسی به ابزار مناسب به آموزش برسند، ضدهدالت است

معاون سابق متوسطه سازمان آموزش و پرورش کارنامه این دو سال آموزش غیرحضوری را این‌گونه ارزیابی کرد: «در آموزش مجازی موفق نبودیم، برای گام اول خوب بود ما نمی‌توانیم شبکه‌ای که ایجاد شد را نادیده بگیریم، ولی این اتفاق باید سال‌ها قبل می‌افتاد. ما یک زمانی در آموزش و پرورش اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود بحث مدارس هوشمند را مطرح کردیم. تولید بسته‌های آموزشی و تولید محتوای الکترونیکی. آن زمان عده‌ای جنجال کردند که این امکان‌پذیر نیست. آن زمان اصلا کرونا نبود. ببینید درواقع آینده آموزش و پرورش این است که ما تنها به کتاب‌ها اکتفا نکنیم در کنار آن باید بسته‌های مکمل تولید می‌کردیم. باید چندسرنانه‌ای کردن محتوای درسی و هوشمندسازی را جدی می‌گرفتیم. معلم‌ها هم آمادگی پیدا می‌کردند. الان مشکل فقط دانش‌آموزان نیستند ما یک گستره وسیع ۸۰۰ تا ۹۰۰ هزار نفری از معلمان و دست‌اندرکاران آموزش داریم. خیلی از آنها مثل کودکان امروز مسلط بر رایانه یا ارسال و تولید مطلب نیستند. خیلی‌ها نیا باز به آموزش داشتند. به‌موقع تولید محتوا نکرده بودیم. مشکل دیگری که در کشور ما وجود دارد اینترنت است. بعضی جاها دسترسی به اینترنت ضعیف است و بعضی جاها اصلا ضریب نفوذ نداریم. یک آفت دیگر که هر ج و مرج ایجاد کرد این بود که خیلی از مدارس سراغ پلتفرم‌های دیگر رفتند که آسیب معنوی همراه داشت. پلتفرم‌های خارجی در فضای مجازی آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی به وجود می‌آورد. وقتی ما در تولید محتوا یک سیاست متمرکز و واحدی داریم برای این است که مصلحت‌هایی در آن نهفته است وگرنه می‌گفتیم مثل دانشگاه، ما سرفصل می‌دهیم و هر مدرسه‌ای برای خود هر کتابی را که دلش خواست تدریس کند. ما در کشورمان تازه برای اولین‌بار شبکه‌ها را تجربه کردیم که کلی مشکل و نوسان داشت. آنهایی که وضع‌شان خوب بود رفتند سراغ نرم‌افزارهای دیگر و کار کردند، این چندنگانگی در بازار پلتفرم‌ها و بسته‌های نرم‌افزاری متعدد برای آموزش و پرورش خوب نیست، علاوه‌بر ایجاد چندگانگی و حاشیه‌ها اگر کنترل نشود تفاوت‌هایی را به وجود می‌آورد که این تفاوت‌ها خود نمونه بارز بی‌عدالتی آموزشی است.»

در مورد مراقبت ویژه از اطفال امکانات مناسبی نداریم

دکتر علیرضا بیگلری در مورد اهمیت واکسیناسیون کودکان گفت: «کشورهای اروپایی و آمریکایی که دچار موج و پیک شده‌اند برای این شیوع دلالی می‌آورند. یکی اینکه بازگشایی‌ها را خیلی سریع انجام دادند و عادی‌انگاری در ذهن مردم اتفاق افتاد و فکر کردند کوید تمام شده است. دومین دلیلی که می‌گفتند این بود که واکسن‌های بوستر را سر وقت تزند از دز دوم فاصله گرفته بودند و ایمنی افراد کم شده بود. سومین دلیل‌شان این بود که به واکسیناسیون زیر ۱۸ سال توجه نکردند. الان نگاه کنید همگی روی دز سوم اصرار دارند و پا به پای آن واکسیناسیون اطفال را شروع کردند. اگر دقت کنید درصد ابتلای کودکان نسبت به بزرگسالان در جامعه مبتلایان بیشتر شده است. در کشورهایی که برای کودکان واکسیناسیون انجام نشده درصد ابتلا بیشتر است. اگر بزرگسال درگیر شود امکانات و تجهیزات مراقبت ویژه را داریم ولی در مورد مراقبت ویژه از اطفال امکانات مناسبی نداریم و به همین خاطر اگر بیماری در بچه‌ها اتفاق بیفتد و کار به مراقبت‌های ویژه برسد یعنی PICU کشور خیلی تجهیزات ندارد به همین خاطر بهتر است که کودکان مان را در برابر این بیماری ایمن کنیم.»

اجباری بودن ممکن است شبهاتی را

در جامعه ایجاد کند

رئیس موسسه انستیتو پاستور دلیل اختیاری بودن واکسن کودکان را جلوگیری از تشکیک در جامعه دانست و گفت: «اختیاری بودن به خاطر این است که اگر اجباری شود ممکن است سوالات و بحث‌هایی را در جامعه ایجاد کند که دامنه این بحث‌ها ممکن است تشکیک در جامعه را بیشتر کند. پدران و مادران اگر فکر باشد یک واکسن داشته باشند می‌گویند اشکال ندارد ما مرض شویم اما آن یک واکسن به فرزندم تزریق شود.»

کسی به پروتکل‌ها فکر هم می‌کند؟

رئیس مرکز تحقیقات ویروس شناسی بیمارستان دکتر مسیح دانشوری با تاکید بر لزوم رعایت پروتکل‌ها گفت: «با توجه به اینکه اثرگذاری واکسن‌ها نسبت به امیکرون کمتر است و خیلی کاهش پیدا کرده ما می‌دانیم که درهای بوستر را به رسمیت نمی‌شناسیم. ما به هر دلیلی نگاه ارفاقی داشتیم و این ملاک نیست و پروتکل‌ها را همه مهم‌تر است. حالا که تصمیم به بازگشایی مدارس گرفته‌ایم باید ببینیم چقدر می‌توانیم پروتکل‌ها را رعایت کنیم و در اجرای آن موفق باشیم. اگر بنا به رفتن بچه‌ها به مدرسه است که هست، هم والدین و هم معلم‌ها باید به بچه‌ها آموزش دهند و هم در زدن ماسک و رعایت فاصله ممارست داشته باشند. رنگ‌ها ی تفریح، هنگام غذا خوردن و دستشویی رفتن ضدعفونی کردن دست‌ها چیزهایی است که باید به آنها توجه شود. ممکن است خیلی از محیط‌های آموزشی ما از لحاظ تعداد دانش‌آموزان و محیطی که داریم امکان رعایت این موارد را با سختی مواجه دهیم، اما وقتی که قرار است مدرسه‌ها باز شود حتما ستاد ملی کرونا و وزارت بهداشت و درمان فکر آن را کرده‌اند.»

قبل از کرونا مدارس عادی وضع خوبی نداشتند

و بیشترین پیشرفت برای مدارس غیردولتی بود

ابراهیم سحرخیز، کارشناس آموزش و پرورش در مورد اینکه آیا همه کودکان به یک میزان به آموزش غیرحضوری دسترسی دارند، پاسخ داد: «بعضی از خانواده‌ها این امکانات را ندارند یا خانه‌شان شلوغ است یا پدر و مادر هر دو سرکارند و درصدی از خانواده‌ها به‌دسرپرست و بی‌سرپرست هستند. تعدادی از خانواده‌ها در روستاهای کوچک هستند اینها را اگر روی هم بگذاریم بعید نگفته‌اند که ما در دوره ابتدایی افت تحصیلی ۵۰ تا ۶۰ درصد را داشته‌ایم و این غیرقابل جبران است. متوسطه هم همین‌طور. ما تازه با این همه تلاشی که کردیم پوشش تحصیلی متوسطه دوم ما حدود ۸۰ درصد است. ۲۰ درصد اصلا دسترسی به مدرسه ندارند. در دوره کرونا هم بعضی‌ها در سنن کار بودند و وقتی مدارس تعطیل می‌شود مانند تابستان درس را ول کردند و با آموزش فاصله گرفتند و حالا اینها قرار است کنکور دهند آزمون نهاییی بدهند. اینجااست که این شکاف طبقاتی و اختلاف خودش را خدای ناکرده در جامعه نشان می‌دهد. هرچند قبل از کرونا مدارس عادی وضع خوبی نداشتند و بیشترین پیشرفت برای مدارس غیردولتی بود.»

دوره ابتدایی پایه است مثل خشت اول که اگر خوب چیده نشود ساختمان می‌ریزد

ابراهیم سحرخیز در ادامه با اشاره به لزوم برگزاری آزمون ارزشیابی هماهنگ گفت: «در دوره ابتدایی معتقدم باید آموزش و پرورش یک آزمون ورودی خوب بگیرد و مدیران باید مکلف شوند یک ارزشیابی داشته باشند از رفتار بچه‌ها چون بچه‌ها دو سال از فضای آموزشی دور بوده‌اند، اگر آزمونی برگزار شده غیر از آزمون‌های نهایی من با عرض پوزش این نتایج را به رسمیت نمی‌شناسیم. ما به هر دلیلی نگاه ارفاقی داشتیم و این ملاک نیست و صدایش سال‌های دیگر درمی‌آید. الان ممکن است کسی متوجه نشود. بچه‌ها پایه‌های بالاتر ننشسته‌اند. آثار سوء و تبعات این را معلمان پایه‌های اول به‌خصوص متوسطه اول و دوم می‌بینند. دوره ابتدایی بسیار مهم است. پایه است مثل خشت اول که اگر خوب چیده نشود ساختمان می‌ریزد، اینجا هم همین اتفاق افتاده است. حالا چگونه بفهمیم چقدر انحراف از معیار داشته‌ایم؟ باید با نظارت مدیر مدرسه آزمون استاندارد هماهنگ منطقه‌ای یا استانی برگزار شود تا معلمان ببینند بچه‌هایشان چقدر از هدف فاصله دارند. بچه‌ای که پایه سوم نشسته واقعا الفبا را بلد است؟ متن ساده را می‌تواند بخواند؟ بعد از این بررسی‌ها می‌فهمیم دانش‌آموزان چند درصدشان جلو هستند، چند درصد عقب و بعد باید چاره‌اندیشی کرد. کلاس جبرانی گذاشت و باید راه‌ی برایش پیدا کرد. راه ساده‌ای هم نیست که لازمه‌اش هزینه کردن است آن هم در شرایطی که هنوز کرونا تمام شد و والدین با همین کلاس‌های نصفه و نیمه هم مخالفند، آیا رضایت می‌دهند بچه‌هایشان کلاس جبرانی بیابند.»